خبرها

مطالعات مشروطه در دانشگاه آزاد تبریز

ایسنا: با تصویب معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی دبیرخانه دائمی مطالعات تاریخ مشروطه در دانشگاه آزاد اسلامی تبریز راه‌اندازی شد. رئیس دانشگاه آزاد تبریز در این باره گفت: راه‌اندازی بانک اطلاعاتی و کتابخانه تخصصی پژوهش‌های مشروطه‌شناختی، ایجاد سایت اینترنتی به روز و ارائه آخرین تحقیقات مشروطه‌شناختی در ایران و جهان و شناسایی محققان و پژوهشگران حوزه تاریخ مشروطه از اهداف عمده تاسیس این دبیرخانه است.

تپه جوراب هفت‌هزار ساله شد

میراث خبر: پس از یافتن سفال‌های مربوط به پنج هزار سال پیش از میلاد در نخستین فصل گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم و لایه‌نگاری تپه‌جوراب قدمت این تپه به هفت هزار سال رسید. سرپرست گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم و لایه‌نگاری تپه تاریخی جوراب درباره قدمت این تپه گفت: براساس گزارش‌های باستان‌شناسی که از سال ۴۹ و زمان ثبت این تپه در فهرست آثار ملی به جای مانده، قدمت آن مربوط به دوره ایلخانی تا هزاره ۴ پیش از میلاد نسبت داده شده است اما در حال حاضر براساس بررسی‌ها احتمال بسیار می‌دهیم که قدمت تپه مربوط به پنج هزار سال پیش از میلاد است. خاکسار، یافتن سفال‌های مربوط به پنج هزار سال پیش از میلاد را دلیل این برداشت عنوان کرد و گفت که باید بررسی‌ها برای قطعیت یافتن هرچه بیشتر موضوع ادامه یابد. خاکسار درباره روند کار لایه‌نگاری‌هایی که در این تپه تاریخی صورت گرفته گفت: «به دلیل کمبود امکانات و نبود داربست کار را از کف آغاز کردیم تا به خاک بکر برسیم.» نخستین فصل گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم و لایه‌نگاری تپه تاریخی جوراب از شانزدهم مردادماه آغاز شده و تا پایان شهریور ادامه می‌یابد. گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم و لایه‌نگاری تپه‌جوراب از آن جهت به تصویب پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری رسید که علاوه بر لزوم لایه‌نگاری‌های تاریخی، این تپه در میان بسیاری از خانه‌های مسکونی به محاصره درآمده و عرصه و حریم آن تهدید می‌شود. از این رو به گفته خاکسار هم‌اکنون گمانه‌زنی‌های لازم به منظور تعیین حریم و عرصه تپه هفت هزارساله جوراب همدان آغاز شده است. به گفته خاکسار علاوه بر ساخت‌وسازهایی که در حریم تپه تاریخی جوراب صورت گرفته چند خانه نیز در عرصه آن ساخته شده است از این رو باید گمانه‌زنی‌های لازم برای تعیین حریم و عرصه به طور کامل انجام شود. به دنبال تعیین حریم و عرصه تپه جوراب آزادسازی آن از حصار خانه‌های مسکونی مورد توجه مسئولان قرار می‌گیرد.

مسیر ارتباطی به چغازنبیل تعمیر می‌شود

میراث خبر: تنها جاده ارتباطی به محوطه باستانی چغازنبیل مرمت و بهسازی می‌شود. این جاده تنها راه ارتباطی پنج روستای پیرامون جغازنبیل به شوش و شوشتر است. رئیس اداره راه و ترابری شوش در این مورد گفت: در حال حاضر جاده شانه‌سازی و نقاطی که به دلیل جاری شدن آب آسیب دیده بود ترمیم شده است. همچنین یک دهنه پل موجود در این مسیر نیز مرمت شد تا تردد به سهولت انجام شود. وی افزود: پیش از تعمیر پل جاده از مسیر دیگری ادامه پیدا می‌کرد اما اکنون با تعمیر پل نه‌تنها تردد به صورت مستقیم انجام می‌گیرد بلکه از میزان بار ترافیکی این منطقه هم کاسته می‌شود. شجی‌راد همچنین از نصب علایم ایمنی در این مسیر خبر داد و گفت که در صورت تامین اعتبار در سال ۸۵ تمامی نقاط آسیب‌دیده مرمت می‌شوند. وی بازدید دوره‌ای از جاده را برای ایمنی عبور و مرور اقدامی ضروری خواند و ادامه داد: «به دلیل سرقت مدام بسیاری از علایم ایمنی جاده، بازدیدهای دوره‌ای برای کنترل جاده‌ها در نظر گرفته شده است تا با جایگزینی علایم از بروز مشکل برای گردشگران این منطقه جلوگیری شود. شهر دوراونتاش در این محدوده نیز اوایل قرن ۱۳ پیش از میلاد توسط پادشاه عیلامی «اونتاش نپریشا» در نزدیکی رود دز ساخته شد.

تقویم مشروطه

تلگراف علما به ولیعهد

ششم مرداد ۱۲۸۵

امروز خبر رسید که زن‌ها هم در حال آماده شدن برای تحصن در سفارت و همراهی مردان، قصد آمدن به سمت باغ سفارت را کرده‌اند و می‌خواهند در خیابان کنار سفارت چادر بزنند. نزدیک ظهر پیک آقایان از قم هم رسید، میرزا ابراهیم عطار که همسایه جناب طباطبایی است این پیام را آورده و خبر سلامتی آقایان را می‌دهد. از خبرهایی که او به متحصنین می‌گوید: یکی مسئله محاصره راه‌های قم است که کسی امکان رفتن به سمت حرم و شهر را نیابند، دیگری مسئله احتکار آرد توسط معتمد خاقان و شوریدن مردم و دخالت علما و برگشتن قیمت آرد به همان مبلغ اصلی است. از سوی دیگر متولی باشی هم دستور داده که شب قبل چراغ‌های حرم و صحن را یک ساعت زودتر خاموش کنند که مردم متفرق شوند. تلگرافی هم با عنوان جواب علمای تبریز خطاب به ولیعهد که در تبریز مستقر است از طرف مظفرالدین شاه صادر شده. سلطان در این تلگراف ضمن التفات به علمای تبریز توسط ولیعهد عنوان کرده که این التفات همگانی است و سبب شفاعت ایشان مشیرالدوله را برای عودت دادن علما به قم خواهد فرستاد و سخنان درست و بحق علما را هم قبول خواهد کرد. در اطراف ظهر هم خبر شلوغ شدن بعضی از شهرها و ولایات در میان متحصنین پیچید که در این ولایات هم مردم شروع به تعطیل کردن دکان‌ها کرده‌اند و بعضاً در قونسولخانه و یا بعضی جاهای دیگر متحصن شده‌اند. از ظهر نگذشته بود که خبر رسید ولیعهد تلگرافی در جواب پدر فرستاده که اگر من ذره‌ای احساس می‌کردم که مطالب علمای تبریز خلاف مصلحت دولت است، ابداً چیزی عرض نمی‌کردم و امروز هم در تلگراف خانه حضور پیدا کردم که «شخصاً از علمای مهاجر دارالخلافه شفاعت نمایم.» هنوز غروب نشده خبر رسید مظفرالدین شاه در جواب تلگراف ولیعهد، جوابیه نوشته و به تبریز مخابره کرده‌اند. در این تلگراف هم ضمن تکرار واجب‌التکریم بودن علما تاکید شده که مشیرالدوله به قم خواهد رفت و علما را به تهران با احترام عودت خواهد داد.

به یاد شهید مهدی عراقی

او حزبی فکر نمی‌کرد

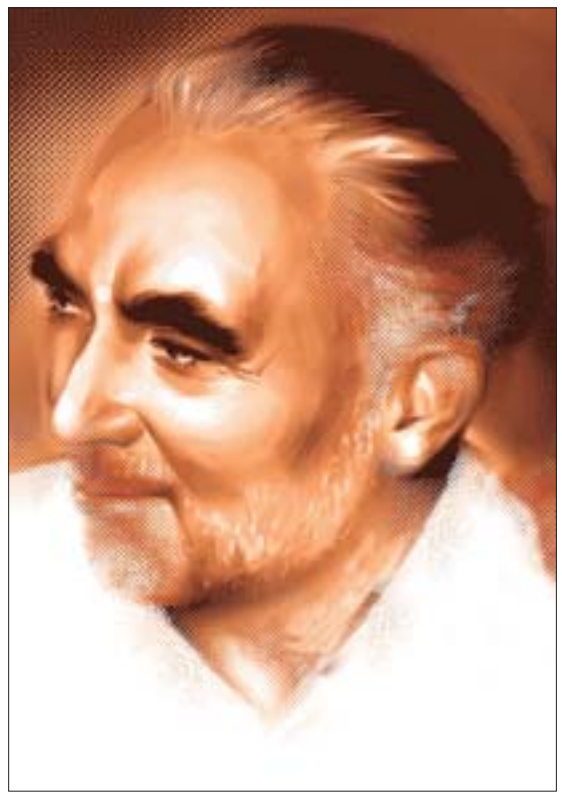

رسمی است در میان ما که وقتی می‌خواهیم درباره کسی داوری کنیم در وهله اول می‌پرسیم از کدام جناح است و به چه گروهی وابسته. بعد همه بدی‌ها یا خوبی‌هایی که به آن جناح یا گروه نسبت می‌دهیم به آن شخص هم تعمیم می‌دهیم. گرچه در یک شناخت سطحی این روش به کار می‌آید و چه بسا درباره بعضی افراد درست از آب درآید، اما در همه موارد معتبر نیست. شهید مهدی عراقی یکی از این موارد است. او که در ۴ شهریورماه ۱۳۵۸ (تنها ۷ماه پس از پیروزی انقلاب) به دست اعضای گروه فرقان ترور شد از اعضای اولیه و از بنیانگذاران جمعیت هیات‌های موتلفه اسلامی بود. پیشتر از آن هم با مرحوم نواب صفوی از ابتدا همکاری داشت و عضو فدائیان اسلام بود. به زندان هم افتاد ولی بعد از ترور حسنعلی منصور سال ۱۳۴۳ که دستگیر شد به اعدام محکوم شد. در آخرین مراحل یک درجه تخفیف خورد و حبس ابد شد. ۱۲ سال در زندان شاه به سر برد و سرانجام سال ۱۳۵۵ آزاد شد.

عراقی سال ۱۳۴۲ در ماجرای ۱۵ خرداد نقش مستقیم داشت و برای به صحنه آوردن کسبه بازار و میدان تهران نقش اساسی ایفا کرد. اما نکته مهمی که در زندگی او برجستگی خاصی دارد اخلاقیات و رفتار این مرد است که در طیف خودش کمتر مشابه داشت.

۱۲ سال زندان او ماجراهای زیادی دارد که در جای خود شنیدنی است. اما در این سال‌های آخر که آتش اختلاف به خرمن نیروهای انقلابی افتاده بود افراد و جریان‌ها بیشتر خود را نشان دادند. نقش حاجی عراقی در این دوره قابل توجه است، به‌ویژه بعد از ماجرای مارکسیست شدن عده‌ای از اعضای سازمان مجاهدین خلق که منجر به تنش‌های فراوانی میان نیروهای انقلابی شد. برخورد متفاوت حاج مهدی به‌رغم وابستگی جناحی و گروهی‌اش غیرمترقبه بود. عزت شاهی از زندانیان آن دوره در خاطراتش این موقعیت را چنین تصویر کرده است:

«در این مقطع (زمستان ۵۴) که در واقع بحث‌های مختلف به وجود آمد، مجموعاً دو موضع گیری شکل گرفت. یکی از سوی آقایان طالقانی، حاج مهدی عراقی و محمدی گرگانی که معتقد بودند اعلام تغییر مواضع بخشی از کادرهای سازمان نباید باعث شود که اصل سازمان و اصل مبارزه ضربه بخورد.»[1] گذشته از سخن عزت شاهی همه زندانیان آن دوره شاهد بودند که حاجی برای همه دلسوزی داشت. چه موقعی که از طرف زندانی‌ها مسئول نظارت بر آشپزخانه شد و دلسوزانه برای همه زندانیان تلاش می‌کرد و چه هر زمان که کسی مشکلی داشت و نیاز به یار و مددکار پیدا می‌کرد. اگرچه مرحوم طالقانی برای نیروهای انقلابی نقش پدری داشت اما حاج مهدی نیز در سطحی دیگر همواره همین نقش پدری و دلسوزی برای مبارزان در رفتارش مشهود بود. از همین رو کمتر کسی سراغ دارد که حاجی عراقی در دسته‌بندی‌های ضدی مابین نیروها قرار گرفته باشد. بلکه به‌عکس همواره سعی داشت این اختلافات را کاهش داده و طرفین را به نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز بکشاند. عزت شاهی در این باره می‌گوید:

«این برخوردها آنقدر تند بود که گاهی حاج مهدی عراقی، موضع گیری آنها را اثر گرفته از گفت‌وگو با سران ساواک تلقی می‌کرد. البته این تعبیر را بیان نمی‌کرد اما این طور به نظر می‌رسید.»[2]

این مشی وحدت‌جویانه او پس از آزادی‌اش از زندان و در دوران انقلاب نیز ادامه داشت، در اسناد ساواک که توسط وزارت اطلاعات منتشر شده است درباره فعالیت‌های حاجی عراقی یک سال قبل از پیروزی چنین آمده است: «مهدی عراقی در گفت‌وگو با داریوش فروهر (جمعه ۱۳۵۶/۵/۲۸) می‌گوید: ما با کمونیست‌ها تفاهم نداریم و با آنها هم نمی‌توانیم کنار بیاییم ولی لبه تیز تیغ خود را نیز نبایستی متوجه آنها کنیم زیرا در چنین موقعیتی که ما یک دشمن مشترک داریم چرا با آنها بر سر مسائل جزیی به نبرد و ستیزه‌جویی برخیزیم؟ نمی‌دانم به چه علت آقایان تمام وقت خود را صرف این کار می‌کنند؟»[3]

در سندی دیگر نتیجه دیدار و گفت‌وگوی دیگر حاجی عراقی با داریوش فروهر در تاریخ ۱۳/۷/۱۳۵۶ گزارش شده است: «طبق قرار قبلی ملاقاتی بین داریوش فروهر و مهدی عراقی... صورت گرفت... ضمن مذاکره درباره مسائل سیاسی به نتایجی به شرح زیر رسیده و توافق کردند. ۱- از طرف داریوش فروهر و طرفدارانش به کمونیست‌ها حمله نشود و آنها خط مشی خود را (حمله به دستگاه) ادامه دهند لیکن هیچ‌گونه همکاری با آنها به عمل نیاید.»[4]

عزت شاهی در خاطرات خود که توسط دفتر ادبیات انقلاب اسلامی منتشر شده است شخصیت حاجی عراقی را چنین تشریح می‌کند:

«تجزیه و تحلیل شخصیت حاج عراقی کار بسیار مشکلی است. مرحوم عراقی به دلیل اینکه ورودش به مبارزه از طریق فداییان اسلام بود، از دید او اصلی‌ترین نوع مبارزه، مبارزه مسلحانه بود.

واقعاً اعتقاد محکم قلبی داشت، با آقای عسگراولادی و همفکرانش هم رفاقت ریشه‌داری داشت. روی هم رفته ایشان بیشتر می‌پسندید در برخورد با تغییر ایدئولوژی اعضای سازمان همان مشی و روش آقای طالقانی را پیش بگیرد.

می‌توانم بگویم اگر مرحوم عراقی وابستگی عاطفی شدید به امام نداشت، حتماً راهش را از مجموعه دوستانش جدا می‌کرد. چیزی که مرحوم عراقی را در این طیف نگه داشت، تعلق خاطر بسیار شدید نسبت به شخص امام بود.»[5] علاقه‌ای که امام به ایشان داشت در تعابیری که در سوگ ایشان بیان کرده نمایان است: «حاج مهدی عراقی برای من برادر و فرزند خوب و عزیز من بود، شهادت ایشان برای من بسیار سنگین بود اما آنچه مطلب را آسان می‌کند آن است که در راه خدا بود.»[6]

با این وصف با توجه به اتفاقات سال‌های بعد که تضادهایی درون نیروهای انقلابی اوج گرفت این پرسش جا دارد که اگر نیروهایی چون طالقانی و حاجی مهدی عراقی و... زنده می‌ماندند آیا باز هم سمت‌وسوی نیروها همان بود که شد؟ به راستی جهت‌گیری کسانی که دست به ترور او زدند چه بود؟

هرچه بود اما حاجی در همین مدت عمر خود ارزش‌هایی قابل تأمل به میراث گذاشت. او نشان داد می‌توان حزبی بود اما حزبی فکر نکرد. و می‌توان با کسی یا جریانی مخالف بود اما ارزش‌ها و نقاط مثبتش را هم از یاد نبرد. دو نکته‌ای که همچنان مسئله روز ماست.

پی‌نوشت‌ها:

۱- خاطرات عزت شاهی، محسن کاظمی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ص۶۰۳
۲- همان، ص۶۰۴
۳-پیشکسوت انقلاب، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص ۲۶۱
۴-همان، ص ۲۶۴
۵- خاطرات عزت شاهی، ص۶۰۴
۶- صحیفه نور، جلد۸

به مناسبت سالروز ترور لئون تروتسکی

کمونیست رمانتیک

ترجمه: ارشاد علیجانی

«تروتسکی یک دانشجوی انقلاب فرانسه است. او مدت زیادی در فرانسه زندگی کرده و عاشق فرانسه است و در مقابل از شوروی متنفر است. برخی از نزدیک‌ترین دوستان او چند فرانسوی هستند که او را از پاریس می‌شناسند. او حتی برخلاف اکثر روس‌ها که بدون حرارت و خونسرد سخن می‌گویند همانند فرانسوی‌ها بسیار آتشین و پرانرژی صحبت می‌کند.»

او به خاطر گذشته و حالات رفتاری‌اش باعث می‌شد همیشه یک بیگانه به شمار آید و این نکته باعث می‌شد تا در موقعیت‌های حساس نتواند عملکرد مناسبی از خود به نمایش بگذارد. همین مسئله موجب شد تا تروتسکی در سال ۱۹۲۷ از حزب خارج شود و جلای وطن کند، البته می‌توان گفت در واقع از کشور اخراج شد تا اینکه در عصر خنک روز ۲۱ آگوست ۱۹۴۰ مکزیکوسیتی جوانی به نام جکسون مورنارد همراه با مقداری دست‌نوشته وارد خانه وی شد و از او خواست تا دست‌نوشته‌های او را مطالعه کند و نظر خود را درباره آنها به او بگوید، اما دست‌نوشته تنها چیزی نبود که جکسون مورنارد به همراه داشت. در لحظاتی که تروتسکی در حال ورق زدن نوشته‌های قاتل خود بود، تبر وی فرق او را شکافت.

مورنارد که با ویزای کانادایی وارد مکزیک شده بود توانسته بود خود را به عنوان دوست پسر منشی تروتسکی به او نزدیک کند تا در نهایت به هدفی که استالین برای او مشخص کرده بود برسد. استالین در سال ۱۹۲۹ تروتسکی را در پی انتقادات تند و حملات فکری وی به حکومت سراسر استبداد رفقای خود از کشور اخراج کرد. تروتسکی برای سال‌ها در کشورهای مختلف آواره شد. او طی آن سال‌ها زندگی در ترکیه، فرانسه، نروژ و آمریکا را تجربه کرد، ولی دست از انتقادات خود در مقالات و کتاب‌های خود برنداشت؛ (در آثاری چون «خاطرات تبعید» و «تاریخ انقلاب روسیه») تروتسکی در نهایت در سال ۱۹۳۶ در حومه مکزیکوسیتی ساکن شد. در آن دوران مکزیک دارای یک حزب کمونیست بسیار قدرتمند بود که به دو دسته استالینیست‌ها و ضداستالینی‌ها تقسیم شده بود، در این میانه انقلابی کهنه‌کار و همسر دومش ناتالیا سدوا برای اولین بار پس از اخراج از وطن واقعاً جایی را خانه خود نامیده بودند. خانه‌ای که هنوز جای گلوله‌ها و آتش رفقای تروتسکی که به قصد کشتن او آمده بودند را بردر و دیوار خود حفظ کرده و امروز تبدیل به موزه شده است.

رفیق مورنارد قاتل، که نام واقعی او رامون مرکادور بود و از استالینیست‌های دوآتشه اسپانیا به شمار می‌آمد سریعاً توسط نیروهای محافظ دستگیر شد، زمانی که ناتالیا بر سر بدن خون‌آلود شوهرش رسید.

متفکر بزرگ تنها توانست یک جمله بگوید «حالا اینم انجام شد». گویی که او خود می‌دانست انقلاب آن هم از نوع سرخش به کشتار فرزندانش بسنده نمی‌کند و پدران خود را نیز می‌خورد!

تروتسکی پس از ترور سریعاً به بیمارستان منتقل شد و شب بعد در حالی که در کما بود دست در دست همسرش مرد.

مرکادور نیز به جرم قتل، بیست سال از عمر خود را در زندان‌های مکزیک سپری کرد. طبق گزارش‌ها او پس از آزادی در سال ۱۹۶۰ عازم پراگ شد و پس از آن به مسکو رفت و جایزه‌ای نیز از دست جانشینان لنین دریافت کرد و بر طبق برخی گزارش‌ها سال‌ها بعد بر اثر سرطان در هاوانا پایتخت رفقای کوبایی مرد. تروتسکی با وجود تمامی انتقادات تند خود نسبت به استالین هیچ‌گاه دست از آرمان‌های سوسیالیستی خود برنداشت و گفته می‌شود که در آخرین جملات خود گفته است «به رفقا بگو که من نسبت به پیروزی انترناسیونال چهارم اطمینان دارم، پس به پیش.»

جیمز کنون از نزدیکان و طرفداران تروتسکی در اولین سالگرد ترور تروتسکی که در نیویورک برگزار شد و در دفاع از آرای او گفت: «آن دشمنانی که مرگ جریان فکری تروتسکی را با مرگ او پیش‌بینی کرده بودند و آن دوستان بی‌اراده و سست‌عنصری که از این اتفاق واهمه دارند بلاشک تروتسکی را نشناخته‌اند که لئون چه کسی بود؟ به چه چیزهایی معنا بخشید؟ و چه چیزهایی را پس از مرگ به جای گذاشت. با اطمینان می‌گویم که هیچ خانواده داغدیده‌ای از عزیز از دست رفته خود ارثیه‌ای با این تفاخر و وسعت به ارث نبرده است که رفیق تروتسکی همانند پدری آینده‌نگر برای خانواده خود و انترناسیونال چهارم (که هیچ‌وقت برگزار نشد) به جای گذاشت؛ میراثی که برای رسیدن به هدف ما را راهنمایی خواهد کرد و اتکا به آن به ما اطمینان می‌بخشد که ما در راه درست قدم برمی‌داریم و پیروزی ما اجتناب‌ناپذیر است.»

بسیاری معتقدند تروتسکی باخبر بود که بالاخره روزی استالین به هدف خود، که کشتن او است می‌رسد. چرا که عمال این دیکتاتور سرخ‌پوش چندین‌بار دست به ترور نافرجام تروتسکی زده بودند و به همین خاطر بود که تروتسکی احساس می‌کرد زمان زیادی ندارد و دیوانه‌وار می‌نوشت. به گفته جیمز کنون او روزانه حداقل ۱۱ ساعت تمام در حال نوشتن بود.

در همین رابطه منشی تروتسکی که در تمامی سال‌های پایانی عمر او، همراه وی بوده گفته است: «من می‌توانم در مورد خصوصیات شخصیتی وی - که من را به شدت به خود جذب می‌کرد- بنویسم، از روش کاری او، از انسانگرایی او، ازسخاوت وی. از تمامی اینها می‌توانم بنویسم ولی نمی‌توانم در مورد اندیشه‌های او چیزی بنویسم چرا که آنها کاملاً آماده‌اند و نوشته شده‌اند. هر چیزی که او به آن می‌اندیشید و یا در نظر داشت روزی بیان کند همه را می‌توان بر روی کاغذ یافت، حتی صحبت‌های معمولی دور میز شام را نیز می‌توانیم در میان دست‌نوشته‌هایش پیدا کنیم او به هرچیز که می‌اندیشید، می‌نوشت تا روزی به جهان عرضه کند.»

اما آیا تفاوت اندیشه ترتسکی آنقدر غیرقابل تحمل بود که باید مغزش با تبر به دونیم می‌شد؟

پندلیس پولیوپولوس در این رابطه عنوان کرده: «تروتسکی هم همانند لنین یک مارکسیست ساده بود و به قول خودش یک پیرو واقعی مارکس. در واقع چیزی به نام لنینیسم یا تروتسکیسم که در آن چیز ویژه‌ای وجود داشته باشد وجود خارجی ندارد. باید گفت که به صورت کلی بعد از مارکس هیچ‌کس وجود نداشته که بخواهد اصولی از مارکسیسم را تصحیح کند و یا فضاهای خالی یا مفاهیم گم شده در آن را بدان اضافه کند.

تنها واقعیت وجود شاگردان خوب و بد در این راه است، اگر بخواهیم سه تن از شاگردان خوب مارکسیسم را نام ببریم باید این سه تن را رزا لوکزامبورگ، لنین و تروتسکی معرفی کرد.

تروتسکی به عنوان نظریه‌پرداز تئوری انقلاب سراسری در قرن ۲۰ چند نکته را عنوان کرد، اول ارتباط میان طبقات مختلف و انقلاب پرولتاریا. دوم گذر انقلاب از میان ملت به سوی دیگر ملل. سوم تبدیل جنبش انترناسیونال به انقلابی جهانی. نکته چهارم استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مدرن جنگ داخلی. نکته پنجم پیش‌شرط‌های اقتصادی و اجتماعی برای پیشرفت طرح جامعه. نکته ششم شرایط و فضای ایجادکننده فساد بوروکراتیک در دیکتاتوری پرولتاریا در یک جامعه یا کشور ایزوله شده است.»

طبق نظر شخصی چون پندلیس پولیوپولوس در اصول تفاوت چندانی بین نظریه‌پردازان بزرگ مارکسیسم وجود ندارد ولی می‌توان بی‌گمان کینه‌های استالین را در دیگر آرا و نظرات تروتسکی یافت، شاید آنجایی که تروتسکی با زیرکی و آینده‌نگری فراوان انحطاط انقلاب پرولتاریا را پیش‌بینی کرده بود. به نظر پولیوپولوس بعد از لنین هیچ کس تا این اندازه به عمق مشکلات تئوریک دوباره‌سازی یک جامعه پی نبرده بود. مقالات و سخنرانی‌های ضداستالینی وی از جمله «روسیه به کجا می‌رود؟»، از میوه‌های تحقیقات و تفکرات فراوان وی بود.

تروتسکی جزء معدود تئوریسین‌ها و چهره‌های چندساحتی جریان مارکسیستی بود که نه‌تنها در زمینه مسائل اجتماعی صاحب نظر بود، بلکه در زمینه مطبوعات، هنر و فرهنگ نیز سررشته داشت.

نهاد

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

احسان رشیدی

در سال ۱۳۶۷ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی به منظور پاسخگویی به پرسش‌ها درباره علل وقوع انقلاب اسلامی و زوایای پنهان تاریخ معاصر، توسط جمعی بنیان نهاده شد.

انگیزه این بود که پیش از آن که «غبار زمانه» بر رویدادها فرو نشیند و آن را از ذهن و ضمیر تاریخ بزداید باید به ثبت و ضبط آن همت گماشت و به آیندگان سپرد.

با آنکه کودتای نوژه به عنوان اولین برنامه پژوهشی انتشار یافت اما دست‌اندرکاران موسسه تقریباً تمام فعالیت‌های بعدی خود را به تاریخ‌نگاری عصر پهلوی برای بررسی علل واقعی برآمدن و فرو افتادن سلسله پهلوی و طلوع انقلاب اسلامی معطوف داشتند.

کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی با استفاده از اسناد وزارت اطلاعات و دیگر سازمان‌هایی که به نحوی حافظ اسناد طبقه‌بندی شده رژیم پهلوی بودند، انتشار کتاب سیاست و حزب توده و همچنین خاطرات ایرج اسکندری که مدت زمانی دبیر اول حزب توده بود، زندگی‌نامه سیاسی دکتر مظفر بقایی برای روشن‌تر شدن وضعیت سال‌های منتهی به ملی شدن صنعت نفت، اسناد فراماسونری در ایران به عنوان نهاد فعال و موازی عرصه قدرت، کتاب «اسدالله علم و سلطنت محمدرضا پهلوی» که یار نزدیک پهلوی دوم بوده و بارها ضامن بقا و دوام رژیم گشته بود، از جمله نتایج این فعالیت‌ها است. از دیگر آثار به طبع رسیده در موسسه نیز می‌توان از تاریخ سیاسی کهکیلویه، خاطرات سیاسی حجت‌الاسلام ری شهری، نظریه توطئه و صعود سلطنت پهلوی و تاریخ نگاری جدید در ایران، ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، زندگی و زمانه سید حسن تقی‌زاده مجموعه سه جلدی سازمان مجاهدین خلق، پس پرده هولوکاست و همچنین تحقیقات منتشر شده‌ای راجع به امتیاز ژئوپولتیکی ایران و نیز حزب رستاخیز اشاره کرد. در سایت این موسسه چکیده بعضی از این کتاب‌ها نیز موجود است.

تعدادی نشست تخصصی نیز در مورد اتفاقات قبل و بعد از انقلاب اسلامی توسط موسسه برگزار شده که متن سخنرانی‌های آن جلسات نیز به صورت کتاب به چاپ رسیده است.

سایت این موسسه آقایان عبدالله شهبازی، هدایت‌الله بهبودی، حسین آبادیان، محمدتقی تقی‌پور، مظفر شاهدی، سیدمصطفی تقوی مقدم، مهدی صلاح و سیدعلی علوی را به عنوان نویسندگان این موسسه معرفی کرده، شرحی از سوابق و فعالیت‌های ایشان را نیز ارائه داده است.

به نوشته سایت اینترنتی این موسسه، کتاب کارنامه ساواک در دو جلد در دست تالیف است و پروژه روزشمار دوره رضاخان با تکیه بر مجموعه‌ای از اسناد بی‌نظیر و نویافته با شماری فزون بر ۲۰۰هزار سند در بیش از ۱۰ جلد آغاز به کار کرده است.

قیام عشایر جنوب، چریک‌های فدایی خلق، مجموعه چهار جلدی روابط ایران و اسرائیل و دو جلد کتاب حزب توده ایران هم به زودی توسط این موسسه منتشر خواهد شد.

«فصلنامه مطالعات تاریخی» نیز از تولیدات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی است که اولین شماره آن در زمستان ۱۳۸۲ و برای بررسی تاریخ معاصر ایران با اتکا به اسناد منتشر نشده انتشار یافت و به جز خلاصه مقاله‌های تمام شماره‌ها که در سایت موجود است، به تازگی تمام مقالات سه شماره اول این فصلنامه در سایت موسسه قابل دسترسی است. نشریه الکترونیکی- تاریخی «دوران» نیز توسط این موسسه و به صورت آزمایشی در آدرس (http://www.dowran.ir) قابل مشاهده است.

گفتنی است که این امکان برای موسسه فراهم آمده است تا مجموعه اسناد و انتشارات خود و سایر مراکز تحقیقاتی را در بایگانی ماشینی نگه دارد. این بانک اطلاعات با تهیه برنامه پیشرفته نرم‌افزاری با قابلیت جست‌وجو و تهیه لوح‌های فشرده، در اختیار موسسات تحقیقاتی و پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. هر چند ایجاد کتابخانه دیجیتال غایت هدف موسسه است اما برای شروع در این بانک اطلاعات و نیز در بخش کتابخانه تخصصی سایت موسسه که هنوز راه‌اندازی نشده، عنوان کتاب، سال انتشار، ناشر و نویسنده و اطلاعات جزیی دیگر درباره ۱۵۰۰۰ عنوان کتاب این موسسه ارائه خواهد شد.

از خدماتی که موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی از طریق اینترنت ارائه می‌دهد متن بیش از ۲۱۰ مقاله در موضوعات مختلف تاریخی است که از زمان مشروطه تا اتفاقات پس از انقلاب اسلامی را دربرمی‌گیرد. همچنین در قسمت اسناد و عکس نیز تعدادی عکس و سند منتشر شده و منتشر نشده در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

اما قسمت مهم دیگری از سایت اینترنتی که آن هم هنوز راه‌اندازی نشده است، بخش صوت و تصویر است و قرار است فیلم‌هایی که در موسسه وجود دارد در این قسمت قرار گیرد. به عنوان مثال در جشن رونمایی کتاب سازمان مجاهدین خلق فیلمی هم پخش شد که پاره‌ای صحبت‌های مسعود رجوی و نیروهای نظامی آنها را نشان می‌داد، احتمالاً این فیلم یکی از همین اسناد خواهد بود.

متاسفانه مجموعه‌ای با این همه پتانسیل که تنها در بخش کتابش ۱۵ هزار عنوان کتاب تاریخی با دسته‌بندی مشخص [چپ (کلیه منابع مربوط به گروه‌های چپ)، رجال (رجال عصر پهلوی) و ...] را در اختیار دارد، هیچ‌گونه خدمات عمومی حتی برای محققین نیز ارائه نمی‌دهد و فقط افرادی که برای این موسسه کار می‌کنند حق استفاده از این منابع را دارند و از آنجا که بیشتر کار موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در رابطه با اسناد و عکس‌هایی است که نایاب و غیرقابل دسترسی در جاهای دیگر است یک پژوهشگر حتی با ارائه معرفی‌نامه برای انجام یک پژوهش تاریخی هم نمی‌تواند از این مجموعه گرانبها استفاده کند. امیدواریم مسئولان موسسه در آینده در این زمینه نیز گامی بردارند.

برای اطلاع بیشتر از فعالیت‌های این موسسه به نشانی زیر مراجعه کنید:

http://www.ir-psri.com